

فصلنامه علمی-تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی-تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

دوره سوم * شماره نهم * پاییز ۱۴۰۳



بازخوانی تحلیلی یادکرد ده‌گانه پیامبر (ص) از امامت امیرالمؤمنین (ع) (بر پایه روایت امام جواد (ع) در ذیل آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»)

لیلا ابراهیمی^۱

مهدی درستی^۲

چکیده

امام جواد (ع) در قالب روایت تفسیری آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مانده: ۱) یادآور می‌شود که رسول خدا (ص) در ده موضع بر امامت امیرالمؤمنین علی (ع) تصریح فرموده است. این مقاله که با رویکرد تحلیلی-روایی و با بهره‌گیری از منابع معتبر حدیثی و تفسیری، تدوین یافته؛ در پی پاسخ به این پرسش است که روایت امام جواد (ع) در تفسیر آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، چگونه ناظر به ده موضع از یادکرد پیامبر اسلام (ص) نسبت به امامت امام علی (ع) است، و چه تحلیل مفهومی و محتوایی می‌توان از این مواضع ارائه داد؟ برآیند تحقیق این است: این مواضع که شامل توصیف با عناوین و القاب خاص، قرائن لفظی و مفهومی، اعلان‌های علنی، بیعت‌گیری و اخذ پیمان است، گویای عمق اهتمام پیامبر اکرم (ص) در تثبیت اصل امامت پس از خود است. این بازخوانی ضمن تبیین ارتباط معنایی روایت امام جواد (ع) با آیه مذکور، نشان می‌دهد که حماسه غدیر تنها یک رخداد مقطعی نیست، بلکه نقطه اوج راهبردهای پیوسته رسول خدا (ص) در تبلیغ و تثبیت ولایت الهی علی بن ابی طالب (ع) است.

واژگان کلیدی

امامت در قرآن، اوفوا بالعقود، حدیث وفای به عهد، حماسه غدیر، مناسبت‌های اعلان ولایت.

Email: Ebrahimi.ly1@Gmail.com	۱. دانش پژوه سطح ۴، جامعه الزهراء (ع) (نویسنده مسئول)
Orcid: 0009-0002-8901-8081	۲. طلبه سطح ۳، حوزه علمیه قم.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷
استناددهی: ابراهیمی، لیلا؛ درستی، مهدی (۱۴۰۳). «بازخوانی تحلیلی یادکرد ده‌گانه پیامبر (ص) از امامت امیرالمؤمنین (ع) (بر پایه روایت امام جواد (ع) در ذیل آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۳، ش ۹، صفحات ۷-۲۷.	

مقدمه

واقعه غدیر خم به عنوان نقطه عطفی در تاریخ اسلام، متضمن اعلان رسمی جانشینی و ولایت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است که با نزول آیه اکمال دین ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ (مائده: ۳) مقارن گردید. علی رغم تأکیدات متعدد و صریح پیامبر صلی الله علیه و آله و نزول آیات قرآن در تأیید این ولایت، پس از رحلت ایشان، این واقعه با چالش‌هایی چون فراموشی، انکار، تحریف و تغییر مواجه شد که منجر به انحراف در مسیر جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله گردید. این وضعیت، ضرورت تلاش مستمر و هوشمندانه ائمه معصومین علیهم السلام را برای احیا و بازسازی این حماسه در میان امت اسلامی اجتناب‌ناپذیر ساخت. ائمه معصومین علیهم السلام با اتخاذ راهبردهای مختلف، به ویژه تفسیر قرآن، در صیانت از پیام غدیر و تبیین جایگاه ولایت کوشیدند. در این میان، تلاش‌های امام جواد علیه السلام، در شرایط خاص سیاسی و فکری عصر خویش، نقشی محوری در تداوم این جریان احیاگرانه داشته است. یکی از مهم‌ترین راهبردهای قرآنی امام جواد علیه السلام در تثبیت مفهوم ولایت، تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ است. این آیه، اولین آیه سوره مائده - که بنا بر روایات، آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده - است و اهمیت خاصی در گفتمان قرآنی دارد. امام جواد علیه السلام در تفسیر این آیه، به پیمان‌هایی اشاره می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ده مکان مختلف برای تثبیت خلافت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از مردم گرفته‌اند. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه چگونه امام جواد علیه السلام با تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ به احیای حماسه غدیر پرداخته و ابعاد آن را تبیین نموده است؟ مفهوم «عقود» در آیه «أوفوا بالعقود» از منظر امام جواد علیه السلام چیست و چه نسبتی با مفهوم ولایت دارد؟ ده موقوف و مکانی که امام جواد علیه السلام به عنوان محل‌های اخذ پیمان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر کرده‌اند، کدام‌اند؟

روش تفسیری امام جواد علیه السلام در پیوند میان آیات قرآن و مصادیق عینی و تاریخی، الگویی برای تفسیر کاربردی قرآن است. در دنیای معاصر که چالش‌های هویتی و اعتقادی در جوامع اسلامی به دلیل تهاجم فرهنگی و شبهات دینی افزایش یافته، بازخوانی نقش ائمه معصومین علیهم السلام در احیای پیام غدیر می‌تواند به تقویت هویت دینی کمک کند. علی‌رغم پژوهش‌های متعدد در



حوزه غدیر و ولایت، نقش خاص امام جواد علیه السلام در تبیین آیه «أوفوا بالعقود» و ارتباط آن با تثبیت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، همچنان نیازمند بررسی علمی است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد اسنادی-کتابخانه‌ای انجام می‌شود. روش گردآوری داده‌ها، مطالعه منابع تفسیری، کلامی و تاریخی با محوریت روایت امام جواد علیه السلام در تفسیر قمی (۱/۱۶۰) و تفاسیر روایی است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با تفسیر آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» به بررسی معنا، مفهوم و دلالت‌های آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» به صورت عام می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا ابعاد مختلف این آیه را تبیین کنند. مانند: (۱) مقاله «نقش تلفیق برداشت‌های موسع تفسیری و فقهی از آیهی «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» در توسعه نظام قراردادهای تمدن اسلامی»؛ نوشته محمد مهدی الشریف و داریوش کیوانی هفشجانی، که در مجله «قرآن، فرهنگ و تمدن»، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۶ چاپ شده است. این مقاله با تمرکز بر نقش آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» در توسعه نظام قراردادهای، به بررسی برداشت‌های تفسیری و فقهی از این آیه می‌پردازد.

(۲) مقاله «پژوهشی نو در دلالت آیه «اوفوا بالعقود» بر اصل لزوم» تالیف محمد مهدی مقدادی؛ مهدی همتیان، و سیده معصومه فاطمی در مجله «دین و دنیای معاصر»، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۵ منتشر شده است که به بررسی دلالت آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» بر اصل لزوم در عقود و معاملات می‌پردازد و تلاش می‌کند تا ابعاد مختلف این دلالت را تبیین کند.

(۳) مقاله «واکاوی رویکردهای تفسیری امام جواد علیه السلام بر پایه روش تحلیل گفتمان» نوشته عباس تقویان و محسن دیمه کار گراب در مجله «فرهنگ رضوی»، سال ۴، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱۳ نشر یافته است و به بررسی رویکردهای تفسیری امام جواد علیه السلام و موارد بهره‌گیری ایشان از ظرفیت قرآن در مواجهه با گفتمان‌های علمی عصری می‌پردازد.

اگرچه پژوهش‌های متعددی در حوزه غدیر و ولایت انجام شده است، اما مطالعه تخصصی و مستقل درباره نقش امام جواد علیه السلام در احیای حماسه غدیر از طریق تفسیر آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» صورت نگرفته است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. عصر امام جواد علیه السلام

پیش از امام جواد علیه السلام، باور عمومی شیعیان بر این بود که مقام امامت، به استناد آیه ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ (انعام: ۱۲۴)، به افراد بالغ و رشید (چهل سالگی) محدود است. امامت زود هنگام امام جواد علیه السلام این پیش فرض را به چالش کشید و نشان داد که مقام امامت به سن یا رشد جسمانی وابسته نیست، بلکه به علم لدنی و الهی وابسته است. امام جواد علیه السلام با دستیابی به مقام امامت در کودکی (بین ۷ تا ۹ سالگی)، مفهوم «انسان کامل» را از محدودیت‌های سنی رها کرد و نشان داد که خلافت ربوبی و ولایت الهی به ظرفیت‌های معنوی و الهی فرد وابسته است، نه سن ظاهری. این تحول، درک شیعیان از امامت را به عنوان مقامی الهی و فرازمانی تعمیق کرد و بر نقش علم لدنی در هدایت جامعه تأکید نمود (رحمت‌زاده، بی تا: ۶). امام جواد علیه السلام با نقش آفرینی فعال در عرصه علمی و فرهنگی، تأثیر عمیقی بر توسعه و تقویت هویت شیعی گذاشت. آن حضرت با پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و معرفتی شیعیان در اقلیم‌های مختلف، نه تنها مرزهای دانش و علم را گسترش داد، بلکه در تثبیت اصول اعتقادی و فرهنگی شیعه نقش کلیدی ایفا کرد. تا جایی که مأمون در مورد جایگاه علمی حضرت جواد علیه السلام نسبت به دانشمندان زمان خود چنین اعتراف می‌کند: «وَ اللَّهُ إِنَّهُ لَأَفْقَهُ مِنْكُمْ - وَ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ وَ أَحْكَامِهِ...»؛ به خدا سوگند، او از شما فقیه‌تر و به خدا و رسولش و فرایض و سنن و احکامش داناتر است و کتاب خدا را بهتر از شما می‌خواند و به محکم و مشابه و خاص و عام و ناسخ و منسوخ و تزیل و تأویل آن آگاه‌تر است» (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۸۲). روایات متعددی از پاسخ‌های علمی و حکیمانه امام جواد علیه السلام در تاریخ ثبت شده است که نشان‌دهنده تسلط آن حضرت بر علوم مختلف و قدرت استدلال و مناظره ایشان است. از جمله مناظرات حضرت می‌توان به مناظره با ابن ابی‌دواد، قاضی القضاات معتصم، درباره قطع دست دزد^۱ (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۳۱۹) و مناظره با یحیی بن اکثم درباره کفار صید برای محرم^۲ (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۸۳) اشاره کرد.

۱. ﴿و السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾ (مانده: ۳۸).

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ﴾ (مانده: ۹۵).

گزارش نقل شده در «عیون المعجزات» اثر شیخ حسین بن عبدالوهاب متوفای قرن پنجم هجری قمری، هم به خوبی بیانگر جایگاه علمی آن حضرت است. در این روایت آمده است که پس از رحلت امام رضا علیه السلام، گروهی از فقهای بغداد و سایر مناطق برای دیدار با امام جواد علیه السلام به مدینه می‌روند. عموی امام جواد علیه السلام، عبدالله بن موسی، در صدر مجلس می‌نشیند و به سؤالات پاسخ‌های نادرست می‌دهد. این امر موجب ناراحتی و یأس فقها می‌شود. اما ناگهان امام جواد علیه السلام وارد مجلس می‌شود و به سؤالات پاسخ‌های صحیح و دقیق می‌دهد. این واقعه نشان می‌دهد که امام جواد علیه السلام با وجود سن کم، از دانش و حکمت فراوانی برخوردار بود و می‌توانست به نیازهای علمی و معرفتی شیعیان پاسخ دهد. نکته قابل توجه در این روایت، تذکر و نصیحت امام جواد علیه السلام به عموی خود است. آن حضرت به عبدالله بن موسی یادآوری می‌کند که در قیامت در برابر خداوند پاسخگو خواهد بود، اگر بدون علم و آگاهی به سؤالات مردم پاسخ دهد: «... یا عم! اتق الله! اتق الله! إنه لعظیم أن تقف یوم القیامة بین یدی الله عزّ وجلّ، فیقول لك: لم أفتیت الناس بما لاتعلم؟ ...؛ از خدا بترس! از خدا بترس! این بسیار سنگین است که روز قیامت در مقابل خداوند عزّ وجلّ بایستی، پس به تو بگویند: چرا برای مردم چیزی را فتوا دادی که نمی‌دانستی؟» (ابن عبدالوهاب، بی تا: ۹۵-۹۶).

۱-۲. مفهوم «عقود» در آیه «أوفوا بالعقود»

آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید (مانده: ۱)؛ مفهوم «عقود» را در کانون توجه قرار داده و بر ضرورت وفای به آن تأکید کرده است. مفهوم «عقود» در منابع لغوی و تفسیری با تعابیر گوناگونی نظیر «استحکام و شدت اطمینان» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴/۸۶)، «گره زدن (وصل کردن) چیزی به چیز دیگر» (طوسی، بی تا: ۳/۴۱۴؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۸/۱۰)، «عهد» (زجاج، ۱۴۰۸: ۲/۱۳۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۶/۳۱؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۱/۳۰۶؛ ابن عادل، ۱۴۱۹: ۷/۱۶۱؛ شبر، ۱۴۱۰: ۱/

۱. «عَنِ النَّصْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَّانٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» قَالَ: «الْعُقُودُ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۸۹).

۱۳۲) و «محکم‌ترین نوع عهدها» (زجاج، ۱۴۰۸: ۱۳۹/۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰/۸) توضیح داده شده است. عقود واژه‌ای است که هر عقد و عهدی را میان انسان و پروردگارش و میان انسان و انسان دیگر در بر می‌گیرد (صابونی، ۱۴۱۷: ۱/۳۰۰) و شامل نذرها و همه عقود الزامی می‌شود که وفای به آن‌ها واجب است، مگر در موارد استثنایی (سمعانی، ۱۴۱۸، ۵/۲).

وقتی گفته می‌شود: «با او عقد بستم یا بر او عقد کردم»، معنای آن این است که او را با اطمینان و استحکام به آن ملزم کردم (زجاج، ۱۴۰۸: ۱۳۹/۲). واژه «العقود» در آیه مورد بحث، شامل تمامی عقود در گستره زمان می‌شود، هر آنچه که عنوان «عقد» بر آن صدق کند، این شمولیت، مشابه گستره‌ی معنایی عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا» است که تمامی مومنان در طول تاریخ و پهنه‌ی جغرافیا را بدون هیچ استثنایی در بر می‌گیرد. به‌عنوان مثال، هر عقدی که ولّی مطلق در حق ولایت بر هر مولّی علیه منعقد می‌کند، مصداقی از این شمولیت است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۳-۱۴/۸).

در تمایز مفهومی میان «عقد» و «عهد» گفته شده که عهد، امر کردن به چیزی است و گفته می‌شود: به فلانی چنین و چنان عهد کردم، یعنی او را به آن امر کردم. اما عقد، امر کردن همراه با اطمینان و استحکام است (سمعانی، ۱۴۱۸: ۵/۲). در عقد معنای استوارسازی و گره زدن وجود دارد، و جز بین دو طرف قرارداد (متعاقدين) واقع نمی‌شود. ولی عهد را گاهی یک نفر به تنهایی بر عهده می‌گیرد، پس هر عهدی عقد است، ولی هر عقدی عهد نیست (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۸/۱۰). مفهوم واژه «عقد» نشان می‌دهد که تعبیر ترکیبی «أوفوا بالعقود»، یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه ایجاد یک رابطه حقوقی و تعهدآور است.

۲. بررسی ده موقعیت ذکر شده در روایت امام جواد علیه السلام با توجه به منابع

تاریخی و حدیثی

روایت امام جواد علیه السلام در تبیین آیه اول سوره مائده به این صورت است: «وَأَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي علیه السلام فِي قَوْلِهِ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده: ۱)، قَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَقَدَ عَلَيْهِمْ لِعَلَى بِالْخِلَافَةِ - فِي عَشْرَةِ مَوَاطِنَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ الَّتِي عَقَدْتُمْ عَلَيْكُمْ لِأَمِيرٍ

الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۰﴾؛ ابن ابی عمیر، از امام جواد علیه السلام در مورد آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید» (مائده: ۱) روایت کرده است که فرمود: «همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در ده موطن، برای حضرت علی علیه السلام پیمان خلافت بست، سپس خداوند نازل فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌هایی که برای امیرالمؤمنین علیه السلام بر شما بسته شده است، وفا کنید.» (قمی، ۱۳۶۷: ۱۶/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۲۱۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵/۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۵۸۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴/۲۳).

این روایت بیان می‌کند که آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» در شأن پیمان‌هایی نازل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در ده موقعیت مشخص برای خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام بیان فرموده است. واژه «موطن» (به معنای مکان‌ها یا موقعیت‌ها) به رویدادها یا بسترهای تاریخی اشاره دارد که در آن‌ها بیعت با حضرت علی علیه السلام به عنوان خلیفه مطرح شده است. با استناد به منطوق آیه، منظور از «عقود» به طور خاص «پیمان‌های ولایت» است و امر به وفای به «عقود»، به صورت خاص به التزام به پیمان ولایت اشاره دارد (سلطان علی شاه، ۱۳۲۷: ۷۱/۲-۷۲). در مقابل از نظر بعضی، تفسیر «عقود» به «عهد ولایت» و «بیعت» در اخبار، بیانگر مصادیق مختلف این مفهوم است (طیب، ۱۳۶۹: ۲۸۸/۴) و تعمیم معنای آیه به سایر عقود و قراردادهای، هیچ منافاتی با این تفسیر خاص (روایت) ندارد (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲/۱۶۶). مامقانی استدلال می‌کند که لفظ آیه به صورت عام بیان شده است؛ بنابراین، موضوعی که آیه درباره آن نازل شده، تنها یکی از مصادیق و موارد آن به شمار می‌رود و این امر موجب آن نمی‌شود که آیه برای استدلال در سایر مصادیق و مواردش از اعتبار ساقط شود. این روایت تفسیری هم که آیه را به پیمان‌های بسته شده برای آن حضرت علیه السلام اختصاص می‌دهد، از جمله بطون و تأویلات آیه است (مامقانی، بی تا: ۲/۲۴۰).

نظر علامه طباطبایی هم درباره این روایت این است که از نوع جری یا از باطن تنزیل است (طباطبایی، ۱۴۲۷: ۳/۱۸۸). همان‌گونه که این معانی باطنی و تأویلی در حدیثی از امام جواد علیه السلام در خصوص آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَى ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ﴾ (نحل: ۹۰) گزارش شده است: «عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» قَالَ: «يَا سَعْدُ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ مُحَمَّدٌ، وَالْإِحْسَانُ وَهُوَ عَلِيٌّ، وَإِيتَاءُ

ذِي الْقُرْبَى وَ هُوَ قَرَابَتُنَا» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۶۷). طبق این روایت، منظور از «عدل»، حضرت محمد ﷺ؛ منظور از احسان، امام علی ﷺ و منظور از «إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» را قرابت با اهل بیت ﷺ است.

اشاره امام جواد ﷺ به ده موقف برای جایگاه امیرالمؤمنین ﷺ در روایت مورد بحث، نشان‌دهنده استمرار و تأکید مکرر پیامبر ﷺ بر مسأله ولایت و جانشینی است که تنها به واقعه غدیر محدود نمی‌شود. در منابع تاریخی و حدیثی اسلامی، شواهد متعددی وجود دارد که نشان‌دهنده تأکید پیامبر اکرم ﷺ بر وصایت و جانشینی حضرت علی بن ابی طالب ﷺ در مراحل مختلف رسالت ایشان، پیش از واقعه غدیر خم، است. برای شناسایی این «ده موقعیت و موافق»، باید به روایات و شواهد تاریخی-قرآنی مرتبط با بیعت یا اعلام ولایت امیرالمؤمنین ﷺ رجوع کرد. اگرچه روایت تفسیر قمی به صورت صریح این ده موقعیت را نام نبرده، اما با بررسی منابع روایی شیعه و سنی، می‌توان فهرستی از مهم‌ترین رویدادهایی که پیامبر ﷺ در آن‌ها به خلافت یا ولایت حضرت علی ﷺ اشاره کرده است، ارائه داد. بر اساس منابع روایی و تاریخی، «عَشْرَةَ مَوَاطِنَ» به رویدادهای زیر اشاره دارد که در آن‌ها پیامبر ﷺ به صراحت یا به صورت ضمنی به مقام و جانشینی علی ﷺ تأکید کرده است. این رویدادها، که به‌عنوان «عَشْرَةَ مَوَاطِنَ» شناخته می‌شوند، بر اساس اهمیت تاریخی و روایی در سه دسته کلی قابل تقسیم‌بندی هستند: توصیف با عناوین و القاب خاص، قرائن لفظی و مفهومی در احادیث، و اعلان علنی همراه با بیعت‌گیری و اخذ پیمان.

الف) توصیف با عناوین و القاب خاص

یکی از مهم‌ترین شواهد روایی برای اثبات جایگاه ولایی امیرالمؤمنین ﷺ، استفاده پیامبر اکرم ﷺ از عناوین و القابی نظیر «وصی»، «وزیر»، «خلیفه» و «امیرالمؤمنین» در توصیف حضرت علی ﷺ است. این تعابیر، که در احادیث معتبر شیعه و سنی، نقل شده‌اند، یک نظام معنایی منسجم را شکل می‌دهند که بر نقش حضرت علی ﷺ به‌عنوان ادامه‌دهنده رسالت نبوی و جانشین پیامبر تأکید دارد. به‌عنوان مثال، در رویداد «یوم الدار» (دعوت خویشاوندان در آغاز بعثت) و حدیث وراثت و وصایت پیامبر اکرم ﷺ به صراحت از حضرت

وارثی و وصیبی و خلیفتی فی امتی؛ علی برادر، وزیر، وارث، وصی و خلیفه من در میان امت من است (حموی جوینی، بی تا: ۳۱۵/۱).

حضرت رسول ﷺ در ادامه خطبه غدیر به لقب اختصاصی «امیرالمؤمنین» برای حضرت علی ﷺ اشاره کرده و فرمودند: «أَلَا إِنَّهُ لَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ آخِي هَذَا أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرَةٌ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ؛ آگاه باشید! جز این برادرم (علی بن ابی طالب) شخص دیگری امیرالمؤمنین نیست. بدانید که حلال نیست جز همین علی بن ابی طالب ﷺ کسی بعد از من امیرالمؤمنین خطاب شود» (طبرسی، ۱۹۶۶: ۱/۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷/۲۰۹).

در روایتی دیگر آمده است که خداوند این لقب را به صورت انحصاری به حضرت علی ﷺ اختصاص داده است: «یا مُحَمَّد، اِقْرَأْ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَمَا سَمِيتَ بِهِذَا أَحَدًا قَبْلَهُ، وَلَا أَسْمَى بِهِذَا أَحَدًا بَعْدَهُ؛ هیچ کس را قبل از او به این لقب ننامیدم و هیچ کس را بعد از او به این لقب نخواهم نامید» (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۹۵).

ب) قرائن لفظی و مفهومی

دسته دوم، شامل قرائن لفظی و مفهومی در احادیث و رویدادهای تاریخی است که در آنها پیامبر اکرم ﷺ به صورت صریح یا ضمنی بر ولایت و خلافت حضرت علی ﷺ تأکید کرده‌اند. اخباری نظیر حدیث منزلت، حدیث رایه (در جنگ خیبر)، رویداد مباحله، حدیث طیر، خطبه عقد حضرت زهراء ﷺ با امیرالمؤمنین ﷺ، واقعه سد الابواب، حدیث ثقلین از جمله مصادیق برجسته‌ای هستند که رابطه ویژه میان پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ در رهبری و جانشینی را نشان می‌دهند.

۳) حدیث منزلت

یکی از برجسته‌ترین احادیث در این زمینه، حدیث منزلت است که در چندین موقعیت، از جمله در جریان غزوه تبوک، از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است. پیامبر به حضرت علی ﷺ فرمودند: «أَنْتَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ تو نسبت به من، به منزله هارون نسبت

به موسی هستی، جز آنکه پس از من پیامبری نیست»^۱ (صدوق، ۱۴۱۷: ۲۳۸؛ ترمذی، ۱۴۳۰، ۱/ ۳۰۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۲/ ۱۵۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۱/ ۶۰۷؛ ابن اثیر، ۱۳۹۲: ۸/ ۶۴۹).

عبارت «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» ساختار تشبیهی دارد که جایگاه حضرت علی علیه السلام را با هارون علیه السلام قیاس می‌کند. به این مفهوم که حضرت علی علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله همان جایگاهی را دارد که هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام داشت، با این استثناء که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، دیگر پیامبری نخواهد آمد، در حالی که هارون علیه السلام خود دارای مقام نبوت بود. این حدیث به صراحت بر نقش حضرت علی علیه السلام به عنوان وزیر و یاور در امور پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید دارد، مشابه نقشی که هارون علیه السلام برای موسی علیه السلام ایفا می‌کرد. در قرآن در آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره طه، به درخواست حضرت موسی علیه السلام برای تعیین هارون علیه السلام به عنوان وزیر اشاره شده است: ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَاخْلُقْ عُنْدَهُ مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي، وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي؛ (موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن؛ و کارم را برایم آسان گردان! و گره از زبانه بگشای؛ تا سخنان مرا بفهمند! و وزیری از خاندانم برای من قرار ده. برادرم هارون را. با او پشتم را محکم کن؛ و او را در کارم شریک ساز» (طه: ۲۵-۳۲).

۴) حدیث رایة

حدیث رایة (پرچم) که در جریان فتح خیبر نقل شده و در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْأَعْيُنُ الرَّايَةُ عَدَا رَجُلًا يَحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؛ فردا پرچم را به مردی می‌دهم که خدا و رسولش او را دوست دارند؛ از احادیث معتبر در منابع شیعه و سنی است و به اعطای پرچم به حضرت علی علیه السلام در جنگ خیبر اشاره دارد. این حدیث در صحیح بخاری و دیگر منابع نقل شده است: «عَنْ سَلْمَةَ بِنْتِ

۱. «وَأَخْرَجَ النَّاسُ فِي عَزْوَةِ تَبُوكَ، فَقَالَ عَلِيٌّ: «أَخْرُجْ مَعَكَ». قَالَ: «لَا». قَالَ: «فَبِكَيْ». قَالَ: «أَفَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ، وَأَنْتَ خَلِيفَتِي فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي؛ و مردم در جنگ تبوک بیرون رفتند، پس علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «آیا با شما بیرون بروم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نه». پس گریه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا راضی نیستی که منزلت تو نسبت به من، همچون منزلت هارون نسبت به موسی باشد، جز اینکه تو پیامبر نیستی، و تو پس از من جانشین من در میان هر مؤمنی هستی» (شیبانی، ۱۴۰۰: ۲/ ۶۰۳).

عَمْرٍو بْنِ الْأَكْوَعِ، قَالَ: بَعَثَ النَّبِيُّ ﷺ أَبَا بَكْرٍ، إِلَى بَعْضِ حُصُونِ حَيِّيرَ، فَقَاتَلَ ثُمَّ رَجَعَ، وَلَمْ يَكُنْ فَتْحٌ، وَقَدْ جَهَدَ، ثُمَّ بَعَثَ عَمْرًا، فَقَاتَلَ ثُمَّ رَجَعَ، وَلَمْ يَكُنْ فَتْحٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَأَعْطِينَ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَيُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ، يُفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ، لَيْسَ بِقَرَارٍ؛ از سلمه بن عمرو بن اکوع روایت است که گفت: پیامبر ﷺ ابوبکر را به سوی برخی از قلعه‌های خیبر فرستاد، او جنگید سپس بازگشت و فتحی حاصل نشد، و بسیار تلاش کرد. سپس عمر را فرستاد، او نیز جنگید و بازگشت و فتحی حاصل نشد. پس رسول خدا ﷺ فرمود: «فردا پرچم را به مردی خواهم داد که خدا و رسولش او را دوست دارند، و او نیز خدا و رسولش را دوست دارد، خداوند به دست او فتح می‌کند، او فرار کننده نیست» (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۸/۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۷: ۶/۲۶۴؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۴/۲۰۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۲/۵۵؛ مفید، ۱۴۱۴: ۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۲۱).

عبارت دو جانبه «يُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (محبت متقابل با خدا و رسول) نشان‌دهنده جایگاه ویژه حضرت علی عليه السلام است، پیامبر ﷺ با این سخن و عمل، جایگاه ممتاز ایشان را در میان صحابه برجسته کردند.

۵) مباحله

آیه مباحله یکی از مهم‌ترین آیات قرآنی است که دلالت بر جایگاه ویژه اهل بیت علیهم السلام و به‌ویژه جانشینی حضرت علی عليه السلام دارد. این آیه در جریان مناظره پیامبر اکرم ﷺ با مسیحیان نجران نازل شد و پیامبر ﷺ حضرت علی عليه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن عليه السلام، و امام حسین عليه السلام را برای مباحله برگزید: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آن‌ها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن

گاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم ﴿(آل عمران: ۶۱)﴾.

در آیه مذکور، پیامبر ﷺ از امیرالمومنین علیه السلام به عنوان «نفس» خود یاد کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۵۹/۱؛ آجری بغدادی، ۱۴۲۰: ۲۲۰۱/۵؛ ابن مغازلی، ۱۴۲۴: ۳۸۳). «أَنْفُسَنَا»، به این معناست که در جایگاهی مشابه پیامبر ﷺ قرار دارد. این برابری به معنای برتری حضرت علی علیه السلام بر سایر صحابه و شایستگی او برای جانشینی پیامبر ﷺ است. چنانکه استدلال امام رضا علیه السلام در مناظره با مأمون، با تأکید بر واژه «أَنْفُسَنَا»، نشان‌دهنده قدرت استدلالی ائمه علیهم السلام در دفاع از حقانیت اهل بیت علیهم السلام و اثبات جانشینی حضرت علی علیه السلام است (موسوی سبزواری، ۱۴۱۴: ۲۴/۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۳۰/۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۷۸/۵).

۶) جریان طبر

حدیث «طبر» یکی از روایات مهم و معتبر در منابع شیعه و اهل سنت است که به فضیلت انحصاری حضرت علی علیه السلام و برتری ایشان بر سایر افراد امت اسلامی دلالت دارد. این حدیث به واقعه‌ای اشاره دارد که در آن پرنده‌ای کباب‌شده به پیامبر اکرم ﷺ هدیه شد. طبق روایت، پیامبر ﷺ دعا کرد که خداوند بهترین و محبوب‌ترین خلق نزد او را برای خوردن این غذا همراهش کند. در پاسخ به این دعا، حضرت علی علیه السلام وارد شد و پیامبر ﷺ با او غذا را تقسیم کرد. متن حدیث در منابع مختلف به شکل‌های مشابه نقل شده است. در برخی نقل‌ها آمده که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «اللهم اتنی بأحب خلقك إليك؛ خدایا! محبوب‌ترین آفریده‌ات را نزد من بفرست» (نسائی، ۱۴۲۱: ۴۱۰/۷؛ ابن مغازلی، ۱۴۲۴: ۲۱۹؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۲۸۲/۱۰؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۷۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳۱/۱۰).

در برخی نقل‌های دیگر آمده که پیامبر ﷺ فرمود: «اللهم أدخل علی أحب خلقك إليك من الأولین والآخرین؛ خداوند! محبوب‌ترین آفریدگانت را در نزد من از میان اولین و آخرین، پیش من بفرست» (ابن مغازلی، ۱۴۲۴: ۲۲۰).

۷) خطبه عقد ازدواج امام علی علیه السلام با حضرت فاطمه علیها السلام

کتاب دلائل الإمامة تألیف محمدبن جریر طبری آملی (متوفای اوایل قرن پنجم هجری) یکی از منابع مهم شیعی در اثبات امامت است که حدیثی را در موضوع ازدواج امام علی علیه السلام و

حضرت فاطمه علیها السلام گزارش نموده است: «وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَرْوِّجَ كَرِيمَتِي فَاطِمَةَ بِأَخِي وَابْنِ عَمِّي وَأَوْلَى النَّاسِ بِي: عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَاللَّهُ عَزَّ شَانُهُ قَدْ رَوَّجَهُ بِهَا فِي السَّمَاءِ، بِشَهَادَةِ الْمَلَائِكَةِ، وَأَمَرَنِي أَنْ أَرْوِّجَهُ فِي الْأَرْضِ وَأُشْهِدَكُم عَلَى ذَلِكَ» (طبری، ۱۴۱۳: ۹۰؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۲۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰/۲۷۰). تعبیر «أولى الناس» در این حدیث، به معنای «سزاوارترین فرد» در ادبیات کلامی شیعه به عنوان دلیلی بر برتری و اولویت امام علی علیه السلام در امر امامت و خلافت و داشتن حق تقدم و اولویت در امر رهبری تفسیر شده است. بنابراین، این عبارت می تواند به عنوان شاهدی بر شایستگی امام علی علیه السلام برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله تلقی شود. به بیان دیگر این حدیث با تأکید بر امر الهی برای ازدواج و استفاده از تعبیر «أولى الناس بی» می تواند به عنوان دلیلی بر نص الهی بر شایستگی امام علی علیه السلام برای امامت تفسیر شود.

۸) واقعه سد ابواب

این واقعه در کنار دیگر احادیث، به عنوان بخشی از شواهد زنجیره‌ای برای اثبات امامت و خلافت حضرت علی علیه السلام است. حدیث «سد الأبواب» به واقعه‌ای اشاره دارد که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور الهی، درهای منتهی به مسجد النبی را جز در خانه حضرت علی علیه السلام بست. این واقعه، از منظر تاریخی، روایی به گواهی منابع شیعه و اهل سنت، دلیلی بر فضیلت انحصاری حضرت علی علیه السلام و شایستگی ایشان برای خلافت است. حدیث سد ابواب از روایت‌های متواتر نزد شیعه و اهل سنت است و در اعتبار آن تردیدی نیست. این حدیث با اندک تفاوت در لفظ در منابع متعدد نقل شده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمَرَ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲/۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸/۳۹؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۴/۱۸۶؛ ترمذی، ۱۳۹۵: ۵/۶۴۱؛ نسائی، ۱۴۲۱: ۷/۴۲۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۲/۱۳۸). استناد حضرت علی علیه السلام به حدیث سد ابواب در شورای شش نفره، نشان دهنده جایگاه منحصر به فرد ایشان در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و تأیید الهی بر پاکی و شایستگی ایشان برای رهبری امت است. حضرت علی علیه السلام در این شورا فرمودند: «آیا در میان شما کسی هست که خداوند او را پاک دانسته باشد، آن گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله درهای خانه‌های همه مهاجران را به مسجد بست، جز در خانه من؟» (امینی، ۱۳۹۷: ۳/۲۱۳).

صریح‌ترین اعلان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است که پس از آن، آیه اکمال دین^۱ نازل شد. جریان غدیر در سال آخر عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در «حجة الوداع» اتفاق افتاد و آن حضرت، با بیان «... مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً؛ هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱/۴۲۰؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۱۸۴؛ صدوق، بی تا: ۶۱۱/۲؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲/۲۲۹؛ ابن مغازلی، ۱۴۲۶: ۵؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۳/۱۸۰؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۹/۱۰۵) به امامت علی بن ابی طالب علیه السلام تصریح فرمود و رسالت خود را ابلاغ فرمود. تأکید پیامبر بر این که «هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست» نشان‌دهنده انتقال مقام ولایت و رهبری به امام علی علیه السلام است. پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بیان این حدیث، از مردم پرسیدند: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ آیا من نسبت به شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲/۲۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷/۲۴۷؛ طبرانی، ۱۴۰۵: ۵/۱۹۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۱/۷۲) و مردم پاسخ مثبت دادند. این سؤال به آیه ۶ سوره احزاب^۲ اشاره دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به مؤمنان از خودشان اولی می‌داند. سپس پیامبر بلافاصله فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً». این توالی نشان می‌دهد که پیامبر قصد داشتند جایگاه علی علیه السلام را به‌عنوان جانشین و رهبر امت معرفی کنند.

نتیجه‌گیری

روایت منقول از امام جواد علیه السلام در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مانده: ۱)، شامل یک پیام عمیق در خصوص تداوم امامت و ولایت پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این روایت، با اشاره به ده موضع تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نه تنها بر اهمیت وفای به عهد و پیمان الهی تأکید می‌کند، بلکه ابعاد گسترده و مستمر تلاش‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جهت تثبیت اصل امامت را نمایان می‌سازد. این مواضع، که شامل توصیف حضرت علی علیه السلام با القابی مانند «وصی»، «وزیر»، و «امیرالمؤمنین»، قرائن لفظی و سیاقی و

۱. ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم﴾ (مانده: ۳).

۲. ﴿الَّذِي أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؛ پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است﴾ (احزاب: ۶).

اعلان‌های علنی (مانند غدیر خم)، بیعت‌گیری است، نشان‌دهنده یک فرایند تدریجی و پیوسته در تبلیغ ولایت الهی حضرت علی علیه السلام است. در هر یک از این مواطن، بُعد خاصی از ولایت تبیین شده است. این معرفی‌ها، که پیش از واقعه غدیر خم رخ داده‌اند، پایه‌ای محکم برای فهم جایگاه امامت در اندیشه اسلامی فراهم می‌کنند. واقعه غدیر، به‌عنوان نقطه اوج این سلسله معرفی‌ها، تأکیدی نهایی بر این امر بود. امام با این تفسیر، لایه‌ای از معانی باطنی قرآن را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که متن قرآن فراتر از معانی ظاهری، حقایقی عمیق و چندلایه دارد که درک آن نیازمند مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام است.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن شهر آشوب، رشید الدین محمد بن علی (۱۳۷۶). مناقب آل أبي طالب، نجف الأشرف: المكتبة الحيدرية.
 ۲. ابن اثير، مبارک بن محمد (۱۳۹۲). جامع الأصول في أحاديث الرسول، ج ۱، بی جا، مكتبة دارالبيان.
 ۳. ابن بابويه، محمد بن علی (شيخ صدوق) (۱۴۱۷). الأملی، ج ۱، قم، مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة.
 ۴. ابن بابويه، محمد بن علی (شيخ صدوق) (بی تا). من لا يحضره الفقيه، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
 ۵. ابن حنبل، أحمد (۱۴۰۳). فضائل الصحابة، ج ۱، بيروت، مؤسسة الرسالة.
 ۶. ابن عادل، عمر بن علی (۱۴۱۹). اللباب في علوم الكتاب، ج ۱، بيروت، دارالكتب العلمية.
 ۷. ابن عبد الوهاب، حسين (بی تا). عيون المعجزات، قم، آل عبا.
 ۸. ابن عساکر، أبو القاسم علی بن الحسن (۱۴۱۵). تاريخ مدينة دمشق، بيروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
 ۹. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاييس اللغة، قم، دفتر تبليغات اسلامی.
 ۱۰. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (۱۴۱۷). البداية والنهاية، ج ۱، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان.
 ۱۱. ابن مغزلی، علی بن محمد (۱۴۲۴). مناقب أمير المؤمنين علی بن أبي طالب رضی الله عنه، ج ۲، صنعاء، دار الآثار.
 ۱۲. امینی، عبدالحسين (۱۳۹۷). الغدير، ج ۴، بيروت، دار الكتاب العربي.
 ۱۳. آجری بغدادی، ابوبکر محمد بن حسين (۱۴۲۰). الشريعة، ج ۲، ریاض، دارالوطن.
 ۱۴. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶). البرهان في تفسير القرآن، ج ۱، تهران، بنياد بعثت.



۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲). **صحیح البخاری**، چ ۱، بیروت، دار طوق النجاة.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵). **دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة**، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۷. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵). **سنن الترمذی**، چ ۲، مصر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي.
۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۳۰). **الجامع الكبير «سنن الترمذی»**، چ ۱، دار الرسالة العالمية.
۱۹. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲). **الكشف والبيان المعروف بتفسير الثعلبی**، چ ۱، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۰. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). **روان جاوید در تفسیر قرآن مجید**، چ ۲، تهران، برهان.
۲۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی تا). **المستدرک علی الصحیحین**، دارالتأسیل، بیروت.
۲۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱). **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، چ ۱، تهران، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر.
۲۳. حموی جوینی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۸). **فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم**، بیروت، موسسه المحمودی.
۲۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷). **المتفق والمفترق**، چ ۱، دمشق، دار القادری للطباعة والنشر والتوزیع.
۲۵. رحمت زاده، علی (بی تا). **امام جواد** و **بازسازی اندیشه امامت**، بی جا، بی نا.
۲۶. زجاج، ابراهیم بن السری (۱۴۰۸). **معانی القرآن وإعرابه**، چ ۱، بیروت، عالم الکتب.
۲۷. سلطان علی شاه، محمد بن حیدر (۱۴۰۸). **بیان السعادة فی مقامات العبادة**، چ ۲، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۸. سمعانی، منصور بن محمد (۱۴۱۸). **تفسیر القرآن**، چ ۱، ریاض، دارالوطن.
۲۹. شبر، سید عبدالله (۱۴۱۰). **تفسیر القرآن الکریم**، چ ۲، قم، مؤسسة دار الهجرة.
۳۰. شیانی، ابوبکر بن أبی عاصم (۱۴۰۰). **السنه**، چ ۱، بیروت، المکتب الإسلامی.
۳۱. شیانی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). **فضائل الصحابة**، چ ۱، بیروت، مؤسسة الرسالة.

٣٢. صابوني، محمدعلي (١٤١٧). *صفوة التفاسير*، ج١، قاهره، دار الصابوني للطباعة والنشر والتوزيع.
٣٣. صادقي تهراني، محمد (١٤٠٦). *الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن والسنة*، ج٢، قم، فرهنگ اسلامي.
٣٤. طباطبائي، سيد محمدحسين (١٣٩٠). *الميزان في تفسير القرآن*، ج٢، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٣٥. طباطبائي، سيد محمدحسين (١٤٢٧). *تفسير البيان في الموافقة بين الحديث والقرآن*، ج١، بيروت، دار التعارف للمطبوعات.
٣٦. طبراني، سليمان بن احمد (١٤٠٥). *المعجم الكبير*، ج٢، دار إحياء التراث العربي.
٣٧. طبراني، سليمان بن احمد (١٤١٥). *المعجم الأوسط*، قاهره، دار الحرمين.
٣٨. طبراني، سليمان بن احمد (١٤١٥). *المعجم الكبير*، ج٢، قاهره، مكتبة ابن تيمية.
٣٩. طبرسي، احمد بن علي (١٩٦٦). *الاحتجاج*، نجف، دار النعمان للطباعة والنشر.
٤٠. طبري، محمد بن جرير (١٤١٢). *جامع البيان في تفسير القرآن*، ج١، بيروت، دارالمعرفة.
٤١. طبري، محمد بن جرير (١٤١٣). *دلائل الامامة*، ج١، قم، مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة.
٤٢. طبري، محمد بن جرير (بي تا). *تاريخ الطبري*، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٤٣. طوسي، محمد بن حسن (١٤١٤). *الامالي*، ج١، قم، دارالثقافة للطباعة والنشر والتوزيع.
٤٤. طوسي، محمد بن حسن (بي تا). *التيبان في تفسير القرآن*، ج١، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
٤٥. طيب، سيد عبدالحسين (١٣٦٩). *اطيب البيان في تفسير القرآن*، ج٢، تهران، اسلام.
٤٦. عاملي، سيد جعفر مرتضى (١٤٣٠). *الصحيح من سيرة الإمام علي عليه السلام*، ج١، قم، ولاء المنتظر (عج).
٤٧. عروسي حويزي، عبدعلي بن جمعه (١٤١٥). *نور الثقلين*، ج٤، قم، اسماعيليان.
٤٨. عياشي، محمد بن مسعود (١٣٨٠). *التفسير*، ج١، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية.
٤٩. فضل الله، سيد محمدحسين (١٤١٩). *من وحى القرآن*، بيروت، دارالملاك للطباعة والنشر.
٥٠. فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى (١٤١٥). *الصفافي*، ج٢، تهران، صدر.



۵۱. قمی مشهدی، محمّدين محمّدرضا (۱۳۶۸). *تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
۵۲. قمی، علي بن ابراهيم (۱۳۶۷). *تفسير القمي*، ج ۴، قم، دارالكتاب.
۵۳. كليني، محمّدين يعقوب (۱۳۶۲). *الكافي*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
۵۴. مامقاني، محمّدحسن (بی تا). *غاية الآمال في شرح المكاسب و البيع*، قم، مجمع الذخائر الإسلامية.
۵۵. متقی هندی، علي بن حسان الدين (۱۴۰۹). *كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال*، بيروت، مؤسسة الرسالة.
۵۶. مجلسی، محمّدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، ج ۲، بيروت، مؤسسة الوفاء.
۵۷. مفید، محمّدين محمّد نعمان (۱۴۱۴). *الأمالي*، ج ۲، بيروت، دارالمفيد.
۵۸. موسوی سبزواری، سيد عبد الاعلی (۱۴۰۹). *مواهب الرحمن في تفسير القرآن*، ج ۲، بی جا، دفتر آیت الله العظمی السبزواری.
۵۹. نسائی، احمد بن شعيب (۱۴۲۱). *السنن الكبرى*، ج ۱، بيروت، مؤسسة الرسالة.
۶۰. نوری طبرسی، ميرزا حسين (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*، ج ۲، بيروت، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۶۱. واحدی، علي بن احمد (۱۴۱۵). *الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*، ج ۱، بيروت، دار القلم.
۶۲. هيثمی، علي بن ابوبكر (۱۴۰۸). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بيروت، دارالكتب العلمية.